

متن پرسش

با سلام خدمت استاد خیلی ممنون می شوم که نظرتان را درباره مقاله « آتوریته قاتل شخصیت ها » بیان بفرمایید. لینک نشریه اینجاست:

<http://bayanbox.ir/id/۷۵۶۷۶۰۳۶۶۹۷۵۱۲۴۵۰۴۲?download> شاگرد بسیار بسیار کوچک شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این که نباید امر غیر قدسی را قدسی تلقی کرد، حرفی نیست ولی اگر انسانی از انسان ها توانست به کمک متون قدسی سخنان قدسی را در زمانه‌ی خود تفصیل دهد، می‌توان به بهانه‌ی آن که آن شخص قدسی نیست و به بهانه‌ی آن که باید از آتوریته شدن اشخاص فرار کرد، آن سخنان را و یا آن شخص را به چیزی نگرفت؟ دکتر سروش می‌گفت: چون آیت الله طباطبایی بشر است و علم او نیز بشری است و قداستی ندارد، پس تفسیر المیزان نیز هیچ قداستی ندارد. در حالی که تفسیر المیزان تلاش یک دانشمند اسلامی است که با قواعد خاص علمی متن قرآن را تفصیل داده است و همین امر نسبت به امام و رهبری مطرح است که آیا می‌توان به بهانه‌ی آتوریته نپنداشتن آن‌ها رهنمودهای آنان را که به عنوان فقیه متدبّر در متون دین و سیره‌ی اولیاء معصوم مطرح می‌کند، مُهر غیر قدسی زد؟ و به تعبیر دکتر سروش همه را غیر قدسی و مساوی سخن سایر افراد بشر دانست؟ سؤال این جاست اگر همه‌ی این حرف‌ها چون بشری است و غیر قدسی است پس قابل نقد است، تفاوت سخن علامه‌ی طباطبایی با کسانی که بدترین سخنان را در اذهان بشریت جای می‌دهند، در چیست؟ ما می‌گوییم جایگاه انسان‌ها را با مبنای متون قدسی و سیره‌ی انسان‌های قدسی باید اندازه زد و با این دید می‌توانیم نسبت قدسی عالمان دین را مدّ نظر داشت. موفق باشید